مبحث استثناء از کتاب مبادی العربیة

- **تعریف**
  - خارج کردن اسم بعد از
    - إلّا
    - أخوات إلّا
  - از حکم ما قبل
- **أدوات إستثناء**
  - إلّا — حرف است
  - غیر، سوی — اسم هستند
  - خلا، عدا، حاشا — اختلاف است / هم حرف گرفته اند هم فعل
  - **ملحقات ادوات استثناء**
    - بید، لاسیّما، لیس، لایکون — اسم است — هیئت موضوعه برای دلالت بر استثناء است
- **ارکان استثناء**
  - مستثنی منه — اسم قبل از ادات استثناء
  - ادوات استثناء
  - مستثنی — اسم بعد از ادات استثناء
- **انواع استثناء**
  - متصل — زمانی که مستثنی از جنس مستثنی منه باشد
  - منقطع — زمانی که مستثنی از جنس مستثنی منه نباشد
  - مفرغ — زمانی که مستثنی منه از کلام حذف شود
  - اکثر استثناها از همین قبیل است
  - این نوع کم است
- **إلّا در استثناء**
  - متصل
    - موجب — منصوب می شود
    - غیر موجب — بدل از مستثنی منه باشد / منصوب می شود
  - منقطع
    - موجب — منصوب می شود
    - غیر موجب
  - مفرغ — اعراب مستثنی بستگی به عامل قبل از إلّا دارد
  - نکته- این تفاوت اعراب در استثنا متصل و منقطع در صورتی هست که مستثنی منه قبل از مستثنی بیاید
  - اگر مستثنی منه بعد از مستثنی بیاید چه متصل چه منقطع اعراب مستثنی نصب است
- **اعراب مستثنی به**
  - غیر و سوی
    - مستثنی به غیر و سوی همیشه مجرور بنا بر مضاف الیه بودن می شود
    - نکته مهم در غیر و سوی اعراب خود غیر و سوی است نه اعراب مستثنی به این دو
    - اعراب غیر و سوی مثل اعراب مستثنی به إلّا است
  - خلا عدا حاشا اگر آنها را
    - فعل بگیریم — مستثنی منصوب می شود — به عنوان مفعول بودن
      - اگر قبل از خلا عدا حاشا، ما بیاید فقط فعل محسوب می شود
      - اسم بعدش در این صورت همیشه منصوب بنا بر مفعولیت است
    - حرف جر بگیریم — مستثنی مجرور می شود
  - لاسیّما اگر مستثنی
    - معرفه باشد — جایز است
      - مجرور شود
      - مرفوع شود
    - نکره باشد — جایز است
      - مجرور شود
      - مرفوع شود
      - منصوب شود
    - با توجه به زیاد بودن اعراب و نقش کلمات مربوط به لاسیّما، نقش آنها به صورت جدا گانه ذکر می شود
  - لیس و لایکون
    - همیشه منصوب است
    - نکته- اگر لیس و لایکون به عنوان استثناء بکار روند اسمشان واجب الاستتار خواهد بود
- **اقوال در عامل نصب مستثنی به إلّا**
  - خود إلّا
  - عامل مقدّم بر إلّا — مصنف این را بهتر می داند
- **احکام و نکات**
  - اعراب سوی همیشه تقدیری است
  - **کلمه غیر**
    - دو معنا دارد
      - استثناء — منفصل به آن پرداخته شد
      - به معنای اسم فاعلی باشد یعنی مغایر — در این معنا صفت نکره واقع می شود
    - اشتراک و افتراق دارد با
      - إلّا
        - وجوه اشتراک
          - إلّا مثل غیر میتواند صفت شود به شرطی که موصوف نکره باشد و اعراب إلّا در ما بعدش ظاهر می شود
        - وجوه افتراق
          - غیر را در مثال عندی درهم غیر جیّد میتوان صفت گرفت ولی نمیتوان گفت عندی درهم إلّا جیّد
          - جایز است که بگوییم قام غیر زید ولی جایز نیست بگوییم قام إلّا زید
          - مستثنی به غیر فقط مجرور می شود به خلاف إلّا
      - بید
        - وجوه اشتراک
          - در وزن
          - در معنی
        - وجوه افتراق
          - بید فقط در استثناء منقطع بکار می رود بخلاف غیر
          - بید فقط منصوب می شود بخلاف غیر
          - بید همیشه منصوب می شود به خلاف غیر
          - بید هیچ وقت مقطوع از اضافه نمی شود به خلاف غیر
          - بید هیچ گاه اضافه به أنّ وصله اش نمی شود به خلاف غیر
  - **کلمه حاشا**
    - برخی از نحویین دخول ما بر حاشا را نپذیرفتند و برخی پذیرفتند
    - حاشا برای متّره دانستن مستثنی از حکم مستثنی منه می آید
    - برخی معنی و استعمال دیگری برای حاشا گفته اند که حاشا اسم برای متره و بریئ بودن است
  - **لاسیّما**
    - لاسیّما حقیقة برای خارج کردن اسم بعدش از حکم قبلش نیست و لذا از باب توسع آن را از أدوات إستثناء شمرده اند
    - گاهی لاسیّما به معنی خصوصا به کار می رود که در این صورت
      - نقش مفعول مطلق است
      - اعرابش منصوب است
      - اکثرا با واو استعمال می شود که واو اعتراضیه است
      - بعد لاسیّما
        - حال واقع می شود — در این صورت ما زائده کافه خواهد بود
        - جمله شرطیه واقع می شود
        - ظرف هم واقع می شود — در این صورت ما موصوله خواهد بود
  - **ترکیب لاسیّما**

ترکیب عبارت لاسیّما

لا	نفی جنس است	
سیّ	اسم لا است	
ما	نقش	
	موصوله	زمانی که اسم بعدش مرفوع شد
	نکره تامّه	زمانی که اسم بعدش مجرور باشد
		زمانی که اسم بعدش منصوب باشد
		زمانی که اسم بعدش مرفوع باشد
	زائده کافّه	زمانی که اسم بعدش منصوب باشد
	زائده غیر کافه	زمانی که اسم بعدش مجرور باشد
اسم بعد ما	اعراب	نقش
	رفع	خبر برای مبتدای محذوف که این جمله یا — صله ما هست
		صفت ما هست
	نصب	تمییز برای ما است
	جر	مجرور است